

جایگاه نوروز در تشکیلات حکومتی عثمانی (عصر متقدم)

طاهر بابایی^۱

چکیده: در میان اقتباس‌هایی که عثمانیان از تشکیلات حکومتی سلجوقیان روم داشتند، نوروز به‌عنوان یکی از شاخصه‌های فرهنگی ایرانی محسوب می‌شود که به تشکیلات حکومتی عثمانی راه یافت. در تشکیلات درباری عثمانی نوروز با شکوه بسیاری برپا داشته می‌شد و مراسمی نظیر تهیه و تقدیم معجون نوروزیه توسط حکیم‌باشی، تقدیم تقویم سال نو به دست منجم‌باشی، اعطای گل و میوه به برخی از درباریان و رسم پیشکش‌های نوروزیه به سلطان و برخی از مقامات حکومتی از آن جمله است. علاوه بر تشکیلات درباری، بسیاری از امور اداری-مالی نظیر برخی از عزل و نصب‌های مقامات اداری، تدوین دفترهای مالی، گردآوری مالیات‌ها و در مواقعی پرداخت مواجب نقدی و غیرنقدی (تیمار و زعامت) بر حسب نوروز تنظیم می‌شد. همچنین نوروز نفوذ چشمگیری در تشکیلات نظامی عثمانی داشت؛ آن‌چنانکه نشانه‌های آن را در هر دو شاخهٔ بری و بحری به‌صورت آمادگی نظامی و تهیه مایحتاج پیش از نوروز و تحرک نیروهای زمینی و ناوگان دریایی در نوروز می‌توان مشاهده کرد.

واژه‌های کلیدی: عثمانی، تاریخ تشکیلات اسلامی، فرهنگ و تمدن ایرانی

Nowruz in the Ottoman Administration (Classical Age)

Taher Babaei¹

Abstract: Among those adaptations that the Ottomans had from the Anatolian Seljuks, Nowruz/Nevruz, as an embodiment of the Iranian culture, was one of them, which could find its way into the Ottoman administration. Nowruz was magnificently celebrated in the Ottoman court, and numerous ceremonies were held like preparing Nowruz electuary (Ma'joun-i- Nowruziye) by Hakīmbāshī/ Hekimbaşı, providing New Year's calendar by Munajjimbāshī/ Müneccimbaşı, giving flowers and fruits to some courtiers, as well as giving presents to the Sultan and some other governmental officials. In addition to the bureaucratic affairs of the court, many of administrative and financial affairs, appointment and dismissal of some officials, preparing financial ledgers, and collecting taxes and dues payment both in cash and in kind (Timar and Zeamet) were scheduled based on Nowruz. Furthermore, Nowruz greatly influenced the Ottoman's military administration. Nowruz's influences on the Ottoman's military organization can be seen both for land and marine forces, such as the military ordinance, affording the necessities of the military forces, and movement of ground forces and navy a while before the beginning of Nowruz.

Keywords: Nowruz/Nevruz, Ottoman administration, History of Islamic administration, Iranian culture and civilization

1 Ph.D student of History and Civilization of the Islamic Nations, University of Tehran Taherbabaei@ut.ac.ir

مقدمه

نوروز یکی از اعیاد مهم سلجوقیان روم بود که در این روز نامه‌هایی به رسم تبریک برای بزرگان ارسال می‌شد. همچنین نوروز از آیین‌های دو طریقت بزرگ مولوی و بکتاشی در آناتولی به شمار می‌آمد، از همین رو نوروز در جامعه آناتولی رواج گسترده‌ای یافته بود.^۱ عثمانیان پس از اینکه امیرنشین کوچک خود را به حکومتی بزرگ بدل کردند، برای تقویت و استحکام حکومت خود علاوه بر ابداعات، به اقتباس از حکومت‌های مجاور و پیشین دست زدند. در این میان، سلجوقیان روم به سبب اشتراک سرزمینی و فرهنگی بیش از بیزانس مورد توجه عثمانیان قرار گرفتند. در نتیجه حکومت عثمانی به گرت‌برداری از تجربیات سلجوقیان روم در امور حکومت‌داری اعم از تشکیلات درباری، اداری- مالی و نظامی دست یازید که در این گرت‌برداری، عناصر فرهنگی ایرانی به عثمانی انتقال یافت. یکی از این عناصر برپایی جشن نوروز بود که با آداب پرشکوهی در دربار عثمانی برگزار می‌شد. نوروز علاوه بر اینکه نشانه تازه شدن طبیعت و پیام‌آور شادی نزد ترکان بود، در تشکیلات حکومتی نیز تأثیرگذار افتاد. آنچنان که در هر سه بخش این تشکیلات، نشانه‌های بسیاری از آن به چشم می‌خورد. درباره نوروز و تاریخچه و ویژگی‌های آن، پژوهش‌های متعددی در ایران و سایر کشورها به انجام رسیده است، اما غالب این تحقیقات، نوروز را در سطحی وسیع با محدوده زمانی و مکانی گسترده مورد کاوش قرار داده‌اند و کمتر آن را در یک بخش جزئی بررسی کرده‌اند. از جمله پژوهش‌های نزدیک به موضوع مقاله حاضر که البته به شکل گذرا به موضوع نفوذ نوروز به تشکیلات حکومتی عثمانی توجه کرده‌اند، مقالات *دانشنامه‌ای ترجمه ترکی دایرةالمعارف اسلام*^۲ و *دایرةالمعارف اسلام چاپ اوقاف دینی ترکیه*^۳ است که محل ارجاع این پژوهش نیز بود. در این میان، مقاله «نوروز در اسناد دوره متأخر عثمانی»^۴ نوشته اوزجان مرت را - که به همراه ده مقاله دیگر در مجموعه‌ای تحت عنوان *نوروز در دنیای ترکان*^۵ به چاپ رسیده است - می‌توان در حیطه موضوعی پژوهش حاضر دانست. مؤلف گرچه تا حد زیادی به دوران متأخر حکومت عثمانی اعتنا داشته و به موضوعاتی نظیر جایگاه نوروز در انسان‌شناسی، جغرافیا، ادبیات و موسیقی توجه کرده است، اما بخش

۱ زهرا ربانی (۱۳۹۱)، فرهنگ ایرانی در قلمرو سلجوقیان روم، تهران: علمی و فرهنگی، صص ۳۳، ۵۲.

2 *IA*.

3 *DiA/ TDVIA*.

4 *Son Dönem Osmanlı Belgelerinde Nevruz*.

5 *Türk Dünyasında Nevruz*.

مختصری را نیز به جایگاه نوروز در تشکیلات حکومتی اختصاص داده است که اطلاعات ذکر شده در آن از اسناد و منابع خارج از دسترس نگارنده، استفاده شده است. این پژوهش با تکیه بر منابع و پژوهش‌های تاریخی و با مطالعه‌ای توصیفی، به جایگاه نوروز به‌عنوان یکی از رسوم برجسته ایرانی انتقال یافته به تشکیلات اداری-مالی، درباری و نظامی عثمانی می‌پردازد و دلایل استفاده از نوروز در این ساختار به مناسبت آن بیان خواهد شد.

نوروز در تشکیلات درباری عثمانی

نوروز همانند بسیاری از آیین‌ها و مراسم ایرانی رایج در میان سلجوقیان روم که رواج آن در دوره عثمانی نیز تداوم داشت، مورد توجه سلاطین عثمانی بود. این توجه تا بدان حد بود که با افزودن پسوندی نظیر سلطانی، همایون و خوارزمشاهی^۱ به نوروز، به‌نوعی آن را با عالی‌رتبه‌ترین مقام دربار مرتبط می‌ساختند. برگزاری پرشکوه نوروز در دربار عصر متقدم عثمانی سبب تأثیرگذاری آن بر بخش‌های مختلف درباری و پدید آمدن اصطلاحات مرتبط با نوروز شد. برای نمونه در ادبیات، اشعار و قصائد نوروزیه، در موسیقی، مقام نوروز، در داروسازی و طبابت، معجون‌های نوروزیه؛ و در آداب درباری، پیشکش‌های نوروزیه به‌چشم می‌خورد.^۲ در حکومت عثمانی رسم تبریک نوروز از جایگاه برجسته‌ای برخوردار بود و حکومت عثمانی همواره بر «تبریک‌گویی» نوروز تأکید داشت. عثمانیان برای تثبیت رسم تبریک‌گویی نوروز حتی دست به دامان شیوخ مذهبی شدند و فتوایی از سوی آنان در این زمینه گرفته شد. یکی از معروف‌ترین این فتواها متعلق به ابوالسعود افندی، شیخ‌الاسلام معروف دوره سلیم اول، سلیمان قانونی و سلیم دوم بود، مبنی بر اینکه «نوروز مجوسی نیست، نوروز سلطانی است».^۳ از همین روست که در دوره بایزید دوم (حک: ۸۸۶-۹۱۸ ق.) تبریک‌نامه‌ای از سوی مادرش - گلپهار والده سلطان - به مناسبت نوروز برای او ارسال شد.^۴ یکی از مهم‌ترین بخش‌های مراسم نوروزی دربار عثمانی در عصر متقدم، تقدیم معجون نوروزیه بود. نوروزیه معجونی شیرین و مقوی بود که هر ساله و در شب عید نوروز تهیه

۱ مصطفی سلانیکلی (۱۲۸۱ق.)، تاریخ سلانیکلی، استانبول: مطبعة عامرة، صص ۱۵۷، ۱۶۳، ۲۰۳؛ محمد عارف اسپناچچی پاشازاده (۱۳۷۹)، انقلاب الاسلام بین الخواص و العوام، تصحیح رسول جعفریان، قم: دلیل، ص ۱۵۲.

۲ Abdulhaluk Çay (1993), *Türk Ergenekon Bayramı: Nevruz*, Ankara: İleri Yayınları, p 197.

۳ «نوروز مجوسی دکولدور، نوروز سلطانی دیر».

Filiz Kılıç (2000), "Osmanlı Devletinde ve Klâsik Edebiyatımızda Nevruz", Ankara: Türk Kültür Merkezi Yayınları, pp. 205-206.

۴ Orazpulat Eke Baharlı (1995), *Nevruz-Yeni Yıl*, Anayurttan Atayurda Türk Dünyası, sayı 8, Mart, p. 42.

می‌شد. مسئولیت تهیه این معجون - به سبب خاصیت‌های درمانی آن - به بخش طبابت دربار عثمانی به ریاست حکیم‌باشی محول شده بود.^۱ حکیم‌باشی در شب عید نوروز معجون معطر و سرخ‌رنگ نوروزیه را از ترکیب مواد و گیاهان معطر و مقوی نظیر عنبر، افیون (تریاک)، رنگ گل رز سرخ، مشک، دارچین، قرفیل، نوعی حشره سرخ، نبات، صندل حبشی، خسرودار، پودر وانیل، هل، زنجبیل، جوز هندی، گشنیز، گلاب، چمن فرشته، عطر کسب، روغن بادام، بومادران، خشخاش زرد، شکر و نظایر اینها تهیه می‌کرد. مواد تشکیل‌دهنده این معجون را از ۲۴ تا ۴۰ ماده ذکر کرده‌اند.^۲ مقوی‌ترین و گران‌بهارترین نوع این معجون، «معجون قدرت و شهوت» نام داشت.^۳ حکیم‌باشی پس از تهیه معجون نوروزیه، در مراسم نوروز نزد سلطان حاضر می‌شد و معجون را در ظروف درپوش‌دار مخصوص به سلطان تقدیم می‌کرد.^۴ حکیم‌باشی در ازای تقدیم معجون، از سوی سلطان و وزیر اعظم خلعت و «کورک»^۵ دریافت می‌کرد.^۶ به مرور زمان پوشاندن خلعت و کورک بر حکیم‌باشی اعطاکننده معجون در نزد سلطان به یکی از اصول درباری عثمانی در مراسم نوروز بدل شد.^۷ دایره افرادی که معجون نوروزیه به آنها تقدیم می‌شد، به مرور زمان گسترش یافت و حکیم‌باشی معجون نوروزیه را پس از سلطان به شاهزاده‌ها، قادین افندی‌ها (زنان سلطان)، صدراعظم و برخی دیگر از رجال پرنفوذ حکومتی تقدیم می‌کرد و بنا به عرف دربار و متناسب با موقعیت مقام و منصب، از وی هدیه‌ای دریافت می‌کرد.^۸ گاه دایره عرضه معجون نوروزیه به حدی گسترش می‌یافت که تمامی درباریان را دربر می‌گرفت.^۹ به مرور زمان، رسم تهیه معجون نوروزیه از دربار عثمانی به میان عوام راه یافت و این معجون با هدف خوراکی و درمانی به دست طبیبان، عطاران و قنادان شهرهای مختلف تهیه می‌شد.^{۱۰}

-
- 1 Bayak (2007), "Nevruzkiye", *DİA*, İstanbul:Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi, vol 33, p. 62.
 - 2 Levy (1964), *Nevruz*, in *İslam Ansiklopedisi (IA)*, cilt 9, İstanbul: Milli eğitim basımevi, vol 9, p. 234.
 - 3 Özcan Mert (1999), *Son Dönem Osmanlı belegelerinde Nevruz*, in: *Türk Dünyasında Nevruz*, haz. Nadir Devlet, İstanbul: Marmara Üniversitesi Türkiyat Enstitüsü, p. 17.
 - 4 Süheyl Ünver (1976), *Türkiyede Nevruz ve Nevruzîye*, Ankara: Vakıfler dergisi, cilt XI, p. 231.
 - 5 İsmail Hakkı Uzunçarşılı (1988), *Osmanlı devletinin saray teşkilatı*, Ankara: Türk Tarih Kurumu, p. 366.
 - 6 Mert, *Ibid*.
 - 7 Mehmet Zeki Pakalın (1971), *Osmanlı tarih deyimleri ve terimleri sözlüğü*, İstanbul: Milli eğitim basımevi, vol 2, p. 688.
 - 8 Emrah Çetin (2009), *Türk Dünyasının Ortak Kültür Mirası: Nevruz*, *International Journal of Social Science*, Vol 2, Issue 1, Summer, p. 67.

۵ کورک یا کُرک از پوست سمور یا سیاه‌گوش تهیه می‌شد.

- 6 Mert, *Ibid*; Uzunçarşılı (1988), *Osmanlı devletinin saray teşkilatı*, *Ibid*; Çetin, *Ibid*.
- 7 Uzunçarşılı (1988), *Osmanlı devletinin saray teşkilatı*, *Ibid*.
- 8 Uzunçarşılı (1988), *Osmanlı devletinin saray teşkilatı*, *Ibid*; Çetin, *Ibid*; Levy, *Ibid*.
- 9 Abdullah Şengül (2006), *Türk kültüründe nevrüz - Mete Han'dan Atatürk'e*, Afyon Kocatepe Üniversitesi Sosyal Bilimler Dergisi, Cilt 8, Sayı 3, p. 166.
- 10 Mert, *Ibid*.

یکی دیگر از مراسم نوروزی که گویا بیشتر در اواخر عصر متقدم عثمانی رواج یافت، تقدیم گل و میوه به سلطان و برخی از درباریان بود. رسم تقدیم گل و میوه غالباً به سلطان، دارالسعاده آغاسی (رئیس تشریفات درباری)، باش‌قادین سلطان (زن اول دربار) تا پنجمین زن سلطان محدود بود.^۱

رونمایی از تقویم سال جدید رسم دیگری بود که در دربار عثمانی رواج داشت. با توجه به آغاز سال مالی عثمانیان از نوروز، تقدیم تقویم نیز بخشی از مراسم نوروزیه در دربار بود.^۲ وظیفه تقدیم تقویم بر عهده منجم‌باشی دربار بود که مسئولیت ثبت زمان جلوس سلطان، روز تولد، اعلان جنگ، حرکت سپاه، اعطای مهر به صدراعظم، به آب انداختن کشتی‌ها و ازدواج سلطان را بر اساس ستاره‌بینی بر عهده داشت.^۳ وی در صبح عید نوروز، تقویم تنظیم شده خود را نخست به سلطان و سپس به وزیر اعظم و سایر دولتمردان ارائه می‌کرد و در قبال آن از سوی سلطان هدیه‌ای تحت عنوان «نوروز بخششی» دریافت می‌کرد. به مرور زمان رسم تقدیم تقویم نیز به یکی از مراسم همیشگی دربار عثمانی تبدیل شد.^۴

از دیگر مراسم درباری عثمانی در نوروز، قرائت گونه‌ای ادبی به نام نوروزیه نزد سلطان و دولتمردان بود. این گونه اشعار که در قالب قصیده سروده می‌شد، مختص ایام نوروز بود و شاعران درباری در قبال سرایش و قرائت چنین اشعاری از دولتمردان صله دریافت می‌کردند.^۵ به مرور زمان علاوه بر شعرای درباری، سلاطین، وزراء، مقامات قلمیه و سیفیه و حتی شخصیت‌هایی از سطوح بالای مذهبی نظیر شیخ‌الاسلام‌ها و قاضی‌عسکران به سرایش چامه‌های نوروزیه دست می‌زدند.^۶

رسم اعطای پیشکش رسم متداول دیگری در دربار عثمانی بود که به نوروز اختصاص داشت. این رسم را می‌توان در دو بخش پیشکش‌های اهدایی به سلطان و پیشکش‌های اهدایی به سایر مقامات حکومتی دسته‌بندی کرد. مهم‌ترین بخش از پیشکش‌های اهدایی به سلطان،

1 İzzet Sak (2006), *Osmanlı Sarayının İki Aylık Meyve ve çiçek Masrafı*, Ankara: Ankara Üniversitesi Dil ve Tarih Coğrafya Fakültesi Tarih Bölümü Tarih Araştırmaları Dergisi, Cilt 25, sayı 40, pp. 152, 155.

2 Beşir Mustafayev (2013), *Adriyatikten Çin seddine uzanan Nevruz geleneği*, Avrasya uluslararası araştırmalar dergisi, C 2, sayı 3, temmuz, p. 64.

3 Uzunçarşılı, (1988), *Osmanlı devletinin saray teşkilatı*, p. 396.

4 Müjgan Cumbur (1996), *Bir Osmanlı Müeccimbaşısı ve Nevruz*, Nevruz, Nevruz ve Renkler, Ankara: Atatürk Kültür Merkezi Yayını, Sayı 116, pp. 121- 130.

Muzaffer Tepekaya (2000), *Nevruz ve Osmanlı'da Yaşandığına Dair*, Bornova- İzmir: Türk dünyası incelemeleri dergisi, Ege Üniversitesi basımevi, p. 213.

5 Pakalın, ibid, vol 2, p. 988.

6 Kılıç, ibid, pp. 211- 212.

پیشکش‌های وزیر اعظم بود که در تاریخ نعیمه از آن به صورت «قانون» و با نام «نوروزیه پیشکشی» یاد شده است.^۱ بر اساس این قانون، وزیر اعظم، پیشکش نوروزیه را فراهم و یکجا نزد سلطان ارسال می‌کرد. این پیشکش، شامل اسب‌های یراقدار، سلاح‌های مزین به انواع سنگ‌های قیمتی و طلای سرخ، پارچه‌های گران‌بها و کیسه‌های غروش بود که با یک ارابه ارسال می‌شد.^۲ علاوه بر وزیر اعظم برخی از امرای حکومتی و والیان نیز هدایایی تحت عنوان نوروزیه یا نوروزیه پیشکشی به سلطان تقدیم می‌کردند.^۳ در اواخر قرن دهم هجری، تقدیم چنین هدایایی (نوروزیه در نوروز و عیدیه در سایر اعیاد) به سنت درباری عثمانی بدل شد و امرا و وزرای عثمانی مجبور به تهیه و ارسال چنین هدایایی بودند.^۴ علاوه بر سلطان، سایر مقامات نیز هدایایی با نام نوروزیه دریافت می‌کردند. به جز حکیم‌باشی و منجم‌باشی که پیشتر بدان‌ها اشاره شد، در نوروز به موجب «دفتر تشریفات» به اعیان و ارکان عثمانی انواع نوروزیه داده می‌شد.^۵ همچنین برای والده سلطان، دارالسعاده آغاسی و برخی از مقامات درباری نظیر سلحدارها و گدیک‌ها (مأمورین درباری) از سوی وزیر اعظم پیشکش‌هایی فرستاده می‌شد.^۶ در مراسم اعطای نوروزیه از سوی امرای ایالتی به سلطان، برخی از والیان توانگر به وزیر اعظم نیز نوروزیه، پیشکش می‌کردند.^۷

علاوه بر مقامات بالادست، مناصب پایین‌رتبه نیز در زیرمجموعه دسته خویش، پیشکش‌های نوروزی دریافت می‌کردند. برای نمونه هر ساله در نوروز در «اصطبل عامره» (بخش نگهداری از اسب‌های سلطان)، به تمامی مسئولین شامل میرآخور اول و دوم، کنخدای میرآخور بزرگ و کوچک، روزنامه‌چی آرپه، کاتب آرپه، کاتب سرآچ‌ها، کنخدای میرآخور اول و کاتب وی که از ارکان آخور خاصه بودند، پیشکشی به نام «رکابیه پیشکشی» اعطا و به همه خلعت پوشانده می‌شد.^۸

رسم نوروز و نوروزیه پس از مشروطیت دوم عثمانی اهمیت خود را از دست داد و

۱ مصطفی نعیمه (۱۲۸۱ق)، تاریخ نعیمه (روضه الحسین فی خلاصه اخبار الخافقین)، ج ۶، [بی‌جا]: [بی‌نا]، ص ۶۵.

۲ نعیمه، همان، ج ۶، ص ۶۵.

Çetin, ibid, p. 67.

۳ Pakalın, ibid, vol 2, p. 689; Uzunçarşılı, *Osmanlı devletinin saray teşkilatı*, pp. 75- 76.

۴ مصطفی نوری پاشا (۱۳۲۷ق)، نتایج الوقوعات، چاپ محمد غالب، ج ۱، استانبول: اخوت مطبعه سی، ص ۱۱۶.

۵ مربوط به نوروز سال ۹۲۳ق است. نک: اسپناقچی پاشازاده، همان، ص ۲۱۲.

۶ نعیمه، همان، ج ۶، ص ۶۵.

۷ Uzunçarşılı, (1988), *Osmanlı Devletinin Merkez ve Bahriye Teşkilatı*, Ankara: Türk Tarih Kurumu, p. 202.

۸ Uzunçarşılı (1988), *Osmanlı devletinin saray teşkilatı*, pp. 508-509.

مراسمی نظیر عید «خضر و الیاس»^۱ در میان مردم رواج بیشتری یافت.^۲

نوروز در تشکیلات نظامی عثمانی

نوروز در تشکیلات نظامی عثمانی علاوه بر اینکه نشانه شادی بود، موسم گردهمایی برای نبرد نیز محسوب می‌شد. غالب نبردهایی که عثمانی در آن نقش تهاجمی داشت، از نوروز برنامه‌ریزی و آغاز می‌شد. انتخاب چنین روزی به دو دلیل بود. نخست اینکه نوروز در نظر ترکان عثمانی روزی خوش‌یمن به شمار می‌آمد؛^۳ لذا انتخاب چنین روزی برای حرکت به میدان نبرد، سبب روحیه‌افزایی جنگاوران برای کسب نتیجه مطلوب می‌شد. دلیل دیگر برای انتخاب نوروز را می‌توان در شرایط اقلیمی و جغرافیایی سرزمین‌های عثمانی جست. در نبردهای زمینی به‌خصوص در جانب شرقی که درگیری‌های بسیاری با حکمرانان ایرانی داشتند، چه در داخل قلمرو آنان و چه در مناطق شمال غربی و غرب ایران، زمستان‌های سرد و بلندمدت، مانع کارایی مناسب سپاه می‌شد. همچنین با توجه به اینکه غالب این حملات چندین ماه به طول می‌انجامید، زمین‌گیر شدن سپاه و نابودی آنان را در سرمای این مناطق محتمل می‌ساخت. در نبردهای دریایی نیز عامل سردی هوا، مانع بزرگی محسوب می‌شد. به سبب دشواری تجهیز و حرکت ناوگان دریایی چه در دریاها، چه در مرمه و مدیترانه و چه در دریای سیاه در سرمای زمستان، معقول‌ترین فصل برای تحرک نظامی، فصل بهار و سرآغاز آن یعنی نوروز بود. همچنین با آغاز فصول گرم، حرکت نیروهای بحری و بری برای رسیدن به محل نبرد و تهیه مایحتاج آنان، با سهولت بیشتری امکان‌پذیر می‌شد. با وجود این، آمادگی برای نبرد پیش از نوروز اعلام و در جهت تهیه مایحتاج برای پیش‌بینی جنگ‌های خارجی و یا سرکوب شورش‌های داخلی اقدام می‌شد، اما موعد گردهمایی و حرکت به میدان نبرد، نوروز بود.^۴ برای نمونه در سال ۸۸۹ق بایزید دوم تصمیم به فتح قلاع کلی و آق کرمان گرفت و در نوروز دستور حضور نیروهای نظامی روم ایلی و آناتولی را در مرکز حکومت صادر کرد.^۱ همچنین آغاز آمادگی نیروهای عثمانی برای یکی از مهم‌ترین نبردها با ایران از نوروز

1 Hidirellez.

۲ برای اطلاع بیشتر، نک:

Hasan Tutar (2002), *Tarihte ve mitolojide Nevruz*, in *Türkler*, cilt 3, Ankara: yeni Türkiye yayınları, pp. 611-621.

3 Mert, *ibid*, p. 20.

4 Mert, *ibid*.

۱ خواجه سعدالدین افندی (۱۲۸۰ق)، *تاج‌التواریخ*، ج ۲، استانبول: طبعخانه‌عامره، ص ۴۱.

سال ۹۲۰ق آغاز شد که سرانجام آن شکست صفویان از عثمانی در نبرد چالدران بود.^۱ طی این سال و نوروژ سال ۹۲۱ق تشکیلات نظامی عثمانی درگیر نبرد با ایران بود. در نوروژ سال ۹۲۱ق و در جریان انتصاب کارگزاران، به تمامی امرا دستور داده شد تا در اول نوروژ سلطانی به همراه لشکر خود در قصرهایشان آماده دستور ثانی باشند.^۲ در نوروژ این سال، با گرفتار شدن یکی از جاسوسان صفوی و نیز حمله صفویان به ماردین و بغداد، دستور اجتماع سپاه بیگلربیگی آناتولی و امرای قرامان در قیرشهر داده شد. همچنین قشون روم ایلی برای دفع حمله صفویان، ملزم به اجتماع در سیواس شد.^۳

در دفتر شماره ۱۲ از دفترهای مهمه و ذیل دو فرمان و نامه حکومتی متعلق به سال ۹۷۸ق، دستور مهیا ساختن چند لغمچی^۴ جهت ارسال به قبرس و دستور گردآوری و گسیل سپاهیان به استانبول به سنجاق بیگی جانیک پیش از نوروژ به چشم می‌خورد.^۵ در سال ۹۸۹ق و در جریان حمله به دمیرقبو، به تمام نیروهای مرکزی و ایالتی در نوروژ سلطانی دستور آماده‌باش داده و جهت تأکید بر اهمیت موضوع جمله «با زمان دیگر قیاس نکنند» آورده شد.^۶ در سال ۹۹۴ق نیز «احکام شریفه و دستخط همایون» صادر و از طریق چاوش‌ها^۷ به سردار فرهادپاشا ابلاغ شد تا با هزار توپچی و ارابه‌چی به همراه سپاه بیگلربیگی‌ها و امرا در نوروژ برای حمله به ایران عصر صفوی آماده باشند.^۸ دو سال پس از این دستور نیز فرمان مشابهی به همین سردار برای حمله دوباره به ایران و آماده ساختن سپاه در نوروژ داده شد. در نبردهای اتریش (وین) در دوره سلیمان قانونی (حک: ۹۲۶-۹۷۳ق) و نیز در لشکرکشی به موره و پس از آن در نبرد پروت، زمان اجتماع و گسیل سپاهیان، عید نوروژ تعیین شده بود.^۱ نوروژ در دریاوردی نظامی نیز اهمیت بسیاری داشت. با توجه به شرایط مناسب

۱ اسپناقچی پاشازاده، همان، ص ۷۸.

۲ همان، ص ۱۵۲.

۳ همان، ص ۱۶۱.

۴ مسئول حفر کانال و تونل در پای قلاع جهت تخریب آن.

5 12 Numaralı Mühimme Defteri (978-979 / 1570-1572) < Özet-Transkripsiyon ve İndeks >, c I, (Dîvân-ı Hümayûn Sicilleri Dizisi : IV), (1996) Ankara: Başbakanlık devlet arşivleri genel müdürlüğü, yy nu: 33, pp. 92, 978.

۶ سلاتیکی، همان، ص ۱۵۷.

۷ مسئول ابلاغ نامه‌ها و فرمان‌ها.

۸ سلاتیکی، همان، ص ۲۰۳.

1 Tepekaya, ibid, pp. 213- 214.

آب و هوایی و نیز خوش‌یمن بودن نوروز، ناوگان دریایی عثمانی در این روز آماده سفر می‌شد.^۱ در سده‌های نهم و دهم هجری برای حرکت نیروی دریایی، مایحتاج کشتی‌ها اعم از آذوقه، سلاح، پاروزن و نفرات جنگی پیش از نوروز مهیا و به نیروی دریایی افزوده می‌شد. برای این امر از مرکز حکومت دستورهای صادر می‌شد. با مهیا شدن شرایط، کشتی‌ها در نوروز به آب انداخته می‌شدند.^۲

برای آمادگی نیروی دریایی پیش از نوروز و اعزام در نوروز، اسناد و شواهد متعددی موجود است. برای مثال، پیش از نوروز سال ۹۲۱ق دستور آماده باش به کشتی‌های نظامی داده شد.^۳ در این باره و موارد دیگر فرمان‌ها و نامه‌های متعددی در دفترهای مهمه موجود است که به چند مورد اشاره می‌شود. بر اساس فرمان صادره در یکم ذی‌القعدة سال ۹۷۷ق، از یکی از چاوشان خواسته شده بود تا جهت اطلاع‌رسانی برای ساخت کشتی پیش از نوروز اقدام کند^۴ که در هفدهم همان ماه به سبب عدم اتمام ساخت کشتی تا نوروز به مسئولین آن تذکر داده شده بود.^۵ در سال ۹۷۸ق نیز چندین فرمان درباره تدارکات پیش از نوروز صادر شده است؛ برای نمونه در ۲۵ رمضان سال ۹۷۸ق به بیگلربیگی دیاربکر دستور آماده‌سازی کشتی و تأمین نیرو جهت ارسال به اسکله طرابلس تا پیش از نوروز برای حمله به قبرس داده شد.^۶ همچنین در ۲۹ شوال همین سال به قاضی سینوب، دستور اعطای مساعده به نجاران برای تسریع کشتی‌سازی و انتقال آنها به استانبول تا پیش از نوروز داده شد.^۷ در این باره چهار فرمان پیاپی صادر شده بود. در سال ۹۷۹ق نیز از نیروی دریایی، تلاش برای تجهیز کشتی‌ها جهت «نبرد با کفار در نوروز همایون» خواسته شده بود.^۸ همچنین در اسنادی متعلق به همین سال‌ها، از مسئولین نظامی بحری خواسته شده بود تا جهت گردآوری افراد مسلح و تقسیم آنان در بلوک‌های نظامی و انتخاب سردار برای آنان برای حرکت پس از نوروز و اطلاع‌رسانی به «درگاه معلی» اقدام شود.^۱ نیز در میان این فرمان‌ها، دستورهای مبنی بر استخدام نیرو -

1 Mert, *ibid*, p. 21.

2 İdris Bostan (1992), *Osmanlı bahriye teşkilati*, Ankara: Türk Tarih Kurumu, pp. 197- 198.

۳ اسپناچی پاشازاده، همان، ص ۱۵۲.

4 12 Numaralı Mühimme Defteri, p. 40.

5 *Ibid*, p. 58.

6 *Ibid*, p. 104.

7 *Ibid*, p. 268.

۸ سلاتیکی، همان، ص ۱۰۸.

1 Ümit Koç (2002), *XVI. Yüzyılda Osmanlı Devleti'nde Çavuşluk Teşkilati*, Elazığ: Fırat Üniversitesi Sosyal Bilimler Dergisi, Cilt: 12, Sayı: 2, p. 402.

به‌خصوص پاروزن- به ناوگان ترابزون و سواحل آناتولی داده شده بود.^۱

علاوه بر این شواهد که ناظر بر تدارکات پیش از نوروز بود، شواهد بسیاری نیز برای اعزام نیروی دریایی در نوروز موجود است که از آن میان می‌توان به حرکت نیروی دریایی در «نوروز خوارزمشاهی» به سال ۹۷۱ق به سوی جزیره مالطه اشاره کرد.^۲ همچنین در نوروز سال ۹۸۰ق قپودان^۳ قلیچ علی پاشا برای حمله به قلعه آناوارین از بندر بشکطاش به دریا زد.^۴ در *ظفرنامه* قره‌چلبی‌زاده نیز گزارش‌هایی ضبط شده است که به حملات نیروی دریایی به سوی دشمن در دریای سیاه و مدیترانه اشاره دارد.^۵ اهمیت نوروز برای انجام تحرکات نیروی دریایی عثمانی تا قرن ۱۹م تداوم داشت.^۶

نوروز در تشکیلات اداری- مالی عثمانی

نوروز در دستگاه اداری و مالی عثمانی نیز اهمیت بسیاری داشت. در دیوان‌سالاری عثمانی، نوروز سرآغاز انجام اموری مانند تدوین دفترهای امور مالی، زمان مالیات‌گیری، پرداخت مواجب برخی از کارگزاران و انتصاب برخی از مقامات بود. در گزارش‌های برخی از منابع در کنار مراسم و جشن‌های درباری، از انتخاب کارگزاران در نوروز سخن به میان آمده است که به چند نمونه اشاره می‌شود.

در گزارشی از تاریخ *نعیما* در بیان مراسم اهدای هدایا از سوی وزیر اعظم به مقامات، از وزیر جدید سخن به میان آمده است که گویا به مناسبت نوروز بدین مقام انتصاب یافته بود.^۷ نیز در نوروز سال ۹۹۰ق، فریدون‌بیگ - نشانچی دربار- از این منصب به مقام ولایت کوستندیل رسید و به سبب این انتصاب «بخشش»‌ها و هدیه‌های فراوانی تقدیم درباریان کرد.^۱ در نوروز سال ۱۰۰۰ق نیز سلطان عثمانی به درخواست مردم، قاضی جدیدی بر غلظه منصوب کرد.^۲ در نوروز، عزل و نصب بیگ‌ریگی‌ها که از مقامات اداری- نظامی ایالتی بودند نیز انجام

1 12 Numaralı Mühimme Defteri, pp. 78, 88.

۲ سلانیک، همان، ص ۹.

۳ قپودان یا قپودان پاشا/ قپودان دریا، برگرفته از کاپیتانو ایتالیایی به معنی فرمانده نیروی دریایی.

۴ سلانیک، همان، ص ۱۰۹.

5 Abdülaziz efendi Kara çebebi-zade (2005), *Zafername*, Yüksek lisans tezi, by: Nermin Yıldırım, İstanbul: Mimar Sinan güzel sanatlar Üniversitesi, pp. 23, 52.

6 Mert, ibid, p. 21.

۷ نعیم، همان، ج ۶، ص ۶۶.

۱ سلانیک، همان، ص ۱۶۳.

۲ همان، ص ۲۸۲.

می‌شد و ضمن ثبت آن در دفتری و ممه‌ور کردن آن، به دولت مرکزی اطلاع‌رسانی می‌شد.^۱ یکی از مراسم نوروزی مرتبط با تشکیلات اداری، اجتماع مقاماتی نظیر مفتی، وزیر و وکلا برای مشاوره بود^۲ و حتی در این روز احکام مربوط به وزرا، «مقربان» و دولتمردان استخراج می‌شد.^۳ در این روز دیوان برپا می‌شد و بر حسب «کتابچه تشریفات» هر یک از اعیان و ارکان نظامی، درباری و اداری «انعام نوروزیه» دریافت می‌کردند.^۴

نوروز در دوره کلاسیک عثمانی سرآغاز سال مالی به شمار می‌آمد. این رسم در میان آق قویونلوهای مستحیل در قلمرو عثمانی و ممالیک مجاور آنان در مصر نیز وجود داشت.^۵ از همین رو، علاوه بر دفترهای مالی - که در ادامه بدان پرداخته می‌شود - روند مالیات‌گیری نیز از نوروز آغاز می‌شد. بر اساس قانون‌نامه سنجاق‌های عثمانی، زمان گردآوری مالیات‌هایی نظیر رسم چفت، رسم خانه، رسم قشلاق، رسم مواشی، رسم مراعی، جزیه و دیگر مالیات‌ها، عید نوروز ذکر شده است که برخی به‌طور کامل در نوروز گردآوری می‌شد و برخی دیگر به صورت تقسیطی نیمی از آن در نوروز گردآوری می‌شد.^۶ با نهادینه شدن این شکل از مالیات‌گیری، والیان و سنجاق‌بیگی‌ها در هر نوروز مالیاتی تحت عنوان «رسم نوروزیه» از مردم دریافت می‌کردند.^۷ یکی دیگر از مالیات‌ها رسم غنم بود که از گله‌داران گرفته می‌شد. با توجه به اینکه در نوروز بره‌ها و بزغاله‌ها به رشد مناسب می‌رسیدند و شمار رئوس گله زیاد بود، گرفتن این مالیات به نوروز موکول می‌شد، تا به بره‌ها و بزغاله‌ها نیز مالیات بسته شود. بر این اساس، به ازای دو رأس حیوان، یک آقچه از گله‌داران دریافت می‌شد.^۸ در قلمرو عثمانی به سبب سرمای شدید ایالات در زمستان و نیز خطرناکی و دشواری ارسال مالیات‌ها به پایتخت، نوروز جایگاه ویژه‌ای داشت. از این رو، در نوروز خزانه حکومت عثمانی دارای رونق فراوان و مهمی اقدامات پرهزینه بود. برای تنظیم و تسریع ارسال مالیات‌ها در نوروز، غالباً پیش از نوروز به عاملان گردآوری مالیات‌ها اطلاع‌رسانی می‌شد. این قبیل تذکرات را می‌توان در ارسال مالیات مصر پیش از نوروز سال ۹۶۶ق و یا تأکید بر گردآوری مالیات

1 Uzunçarşılı (1988), *Osmanlı Tarihi*, Ankara: Türk Tarih Kurumu, vol 2, p. 567.

۲ نعیما، همان، ج ۶، ص ۶۶.

۳ همان، ج ۶، ص ۶۵.

۴ اسپن‌اقچی پاشازاده، همان، ص ۲۱۲.

5 Mert, *ibid*, p. 18; Tutar, p. 612.

6 Mert, *ibid*, p. 18; Çetin, p. 67.

7 Çetin, *ibid*.

1 Mert, *ibid*, p. 19.

بالکان پیش از نوروز سال ۹۷۹ق مشاهده کرد.^۱ برای محاسبه میزان مالیات ارسالی از ایالات به مرکز حکومت در نوروز، مأموری به ایالات اعزام می‌شد.^۲

علاوه بر تعیین نوروز برای گردآوری مالیات، غالب دفترهای مالی نیز از نوروز تا نوروز تدوین می‌شد. محاسبه دفترهای مالی پیش از عثمانی نیز در آسیای صغیر از نوروز تا نوروز بود.^۳ در دیوان سالاری عثمانی دفترهای متعددی تدوین می‌شد که مربوط به ثبت امور مالی بود. مهم‌ترین این دفترها، دفترهای تیمار، خاقانی، تحریر و دفترهای روزنامه‌چیه بود که به برخی از آنها که از نوروز تا نوروز تدوین می‌شد، پرداخته می‌شود.

یکی از دفترهای مالی عثمانی که غالباً دفتر مستقلی نیز محسوب می‌شد و در پایان برخی از دفترهای محاسبه مخارج و درآمدها می‌آمد، «دفتر ارقام» بود. دفتر ارقام در پایان این دفترها با عنوانی به صورت «دفتر ارقام واردات و مصارف خزینه عامره» مجزا می‌شد و با ترتیب نوروز تا نوروز تدوین می‌شد.^۴ اما مهم‌ترین دفتری که تدوین نهایی آن به صورت نوروز تا نوروز بود، دفتر «روزنامه‌چیه»^۵ نام داشت.

روزنامه‌چیه دفتر مخصوص ثبت روزانه دریافت‌ها و پرداخت‌های خزانه بود.^۶ در اوایل دوره عثمانی اصطلاح روزنامه و روزنامه‌چیه به شکل مترادف به کار می‌رفتند و احتمالاً از سده دهم، اصطلاح روزنامه‌چیه جایگزین آن شد.^۷ در این دوره، دفتر روزنامه به دست روزنامه‌چی / روزنامچی و زیر نظر دفتردار تدوین می‌شد.^۸ تشکیلات روزنامه‌چیه در اواسط سده دهم گسترش یافت و به دو بخش اداره روزنامه‌چیه بزرگ (بیوک روزنامه‌چیه قلمی / بیوک روزنامه قلمی / روزنامه‌چیه اول) و اداره روزنامه‌چیه کوچک (کوچوک روزنامه‌چیه

1 Ibid, pp. 18- 19.

2 Ibid.

3 Nejat Göyünç (1990), *Tarih başlıklı muhasebe defterleri*, İstanbul: Osmanlı Araştırmaları, no. X, p. 7.

4 Ibid, p. 20.

۵ نمونه متنی از یک روزنامه‌چیه مربوط به قرن ۱۱ ق: «مسوده مصارف روزنامه‌چیه همایون دولت علیّه و سلطنت خلیه خاقانیه صانه الله تعالی عن الافات و بلیه بر موجب مفردات مواجبات و تسلیمات و اخراجات در زمان صدرالوزراء و کیهف الفقراء صدراعظم و آصف معظم حضرت احمدپاشا ادام الله تعالی اجلاله و به معرفت حضرت وزیر روشن ضمیر عطارد نظیر احمد پاشا دفتردار شق اول معموره مزبوره عن ابتداء نوروز سلطانی الواقع فی ذی الحجه سنه ۱۰۸۵...» Göyünç, ibid, p. 16.

۶ عبدالرحمن و فیک بک (۳۲۸ ق)، *تکالیف قواعدی*، ج ۱، استانبول: مطبعه قدر، ص ۱۹۱.

Pakalın, ibid, vol 3, p. 60.

1 Yasemin Yayla (2001), *Kanuni Sultan Süleyman devri osmanlı devletinde bürokratik yapı*, yüksek lisans tezi, Isparta: Süleyman Demirel Üniversitesi, Sosyal bilimler enstitüsü tarih anabilim dalı, pp. 110- 111. Sultan Mehmed Fatih (2003), *Kanunname-i Al-i Osman*, Hazırlayan Abdükkadir özcan, İstanbul: Kitabevi, p. 26, dipnot 2; Pakalın, ibid, vol 3, p. 62.

2 Pakalın, Ibid; Lutfi pascha (1910), *Das Asafname des Lutfi pascha*, ed. Rudolf Tschudi, berlin: Mayer & Müller, p. 37.

قلمی / روزنامه‌چه ثانی) تقسیم شد.^۱

اداره روزنامه‌چه بزرگ که اداره خرج خاصه و روزنامه‌چه همایون نیز خوانده می‌شد، تا سال ۱۲۵۳ق که مالیه نظارتی تأسیس شد، به‌عنوان زیرمجموعه باب دفتری، تمام دخل و خرج‌های خزانه را زیر نظر داشت و کالاهای مورد نیاز آن به‌دست خزینه‌دارباشی (مسئول خزانه) تأمین می‌شد. باب دفتری خزانه، از چهار بخش بیوک روزنامه‌چه (روزنامه‌چه بزرگ)، موقوفات، محاسبه و مقابله تشکیل شده بود و اداره روزنامه‌چه بزرگ، مهم‌ترین اداره خزانه به‌شمار می‌آمد. در این اداره، تمامی درآمدهای مقاطعات، موقوفات، جزیه‌ها و به عبارت دیگر تمام دخل و خرج خزانه، به‌صورت روزانه در دفتری موسوم به روزنامه‌چه ثبت می‌شد و در طول سال چندین بار با نام خلاصه اجمال یا دفتر اجمال خلاصه‌سی مدوّن می‌شد.^۲ این روزنامه‌چه‌ها، از نوروز تا نوروز تدوین می‌شدند.^۳ این امور به دست روزنامه‌چه‌جی یا روزنامه‌چه‌جی‌ها و زیر نظر روزنامه‌چه‌جی اول انجام می‌شد.^۴

دومین بخش تشکیلات روزنامه‌چه، اداره روزنامه‌چه کوچک بود که بدان اداره مُشاهره‌خوران (ماهیانه‌بگیران) نیز گفته می‌شد و معاون اداره روزنامه‌چه بزرگ به‌شمار می‌آمد. مسئول این بخش، کوچک روزنامه‌چه‌جی یا روزنامه‌چه‌جی ثانی نام داشت و وظیفه پرداخت مواجب کارگزاران را بر عهده داشت.^۱ پرداخت مواجب چاشنی‌گیران، متفرقه‌ها، چاوش‌ها، قپوچی‌باشی‌ها، قاضی‌عسکران، آغایان اهل حرف، آغایان رکاب همایون، کاتبان دفترخانه و دیوان همایون، بازنشستگان اندرون، حکیمان دربار، معماران، خزانه‌داران بیرون، باش‌کاتب خزانه، آوجی‌ها (شکارچیان)، کارکنان ضربخانه، مؤذنان خاصه، پیک‌های خاصه و قوشچی‌های اندرون، از وظایف روزنامه‌چه‌جی ثانی بود.^۲ در روزنامه‌چه‌ای که در این اداره تدوین می‌شد، دخل و خرج گروه‌ها و مناصب مذکور، اسامی مواجب‌بگیران و مقدار دریافتی‌ها به صورت روزانه و گاه ماهانه ثبت می‌شد. همچنین ثبت مواردی مانند فوت مواجب‌بگیر، تغییر

1 Uzunçarşılı (1988), *Osmanlı Deletinin Merkez ve Bahriye Teşkilati*, p. 338.

2 Yusuf Sarımay (2010), *Osmanlı Başbakanlık arşivi rehberi*, İstanbul: Başbakanlık Basımevi, pp. 141, 163, 287.

Erdoğan Öner (2009), *Osmanlı Devleti 1912 yılı hazine genel hesabı ve kesin hesap kanunu tasarısı*, Ankara: Maliye Bakanlığı, p. 16.

3 Uzunçarşılı, *ibid*, *Osmanlı Deletinin Merkez ve Bahriye Teşkilati*, pp. 338- 339.

۴ و فیک بک، همان، ج. ۱، ص ۱۹۲.

۱ و فیک بک، همان.

Sarımay, *ibid*; Pakalın, *ibid*, vol 3, pp. 61- 62.

2 Pakalın, *ibid*, vol 3, p. 62; Erhan Afyoncu (2008), s.v. "Ruznamçe", in *DİA*.

منصب و شغل، افزایش یا کاهش مواجب و جزئیات اعزام مأمورین از وظایف این اداره بود که در بخش اداره خزانه مجموع آنها به صورت نوروز تا نوروز ثبت و تدوین می‌شد.^۱

علاوه بر تدوین روزنامهچه در بخش خزانه، روزنامهچه‌های دیگری نیز در بخش‌های مختلف دیوان سالاری عثمانی تدوین می‌شد. از جمله این روزنامهچه‌ها، روزنامهچه ترسانه بود که در آن گزارش‌های امین ترسانه به دست روزنامهچه‌چی ترسانه عامره نگاشته می‌شد.^۲ روزنامهچه دیگر، روزنامهچه عسکری نام داشت که در آن امور قضایی، اداری و خصوصی تشکیلات قاضی‌عسکران ثبت می‌شد.^۳ از دیگر روزنامهچه‌های مهم می‌توان به روزنامهچه حرمین (دفتر ثبت روزانه وقایع و امور مالی حرمین) و روزنامهچه اوقاف (دفتر ثبت روزانه امور مربوط به بناهای وقفی مانند هزینه‌ها، درآمدها، تعمیر و فروش) اشاره کرد.^۴

در زمان لشکرکشی نیز دفترهایی به خط سیاق و یا به خط ساده برای مخارج سپاه تدوین می‌شد که متناسب با تاریخ لشکرکشی بود، اما اطلاعات این دفترها با دفتر دیگری در خزانه - که احتمالاً روزنامهچه باید باشد - مقابله می‌شد.^۵ بخشی از امور مربوط به تیمار مانند توجیه، ترفیع، بجایش (جایگزینی)، نام تیماردار، شکل انتقال تیمار و درآمد تیمار به صورت روزانه در روزنامهچه تیمار ثبت می‌شد.^۱

از دیگر امور مالی که در نوروز انجام می‌شد، پرداخت مواجب نظامیان بود.^۲ این مواجب اگر به صورت نقدی پرداخت می‌شد، علوفه نام داشت و اگر به صورت عواید اراضی بود در سه شکل «خاص» (زمین‌هایی با درآمد بیش از صد هزار آقچه)، «زعامت» (زمین‌هایی با درآمدی بین بیست هزار تا صد هزار آقچه) و «تیمار» (زمین‌هایی که تا بیست هزار آقچه درآمد داشتند) به نظامیان پرداخت می‌شد. فرایند واگذاری زمین‌ها «توجیه» خوانده می‌شد که در اسناد به شکل «توجیهات زعامت و تیمار» از آنها سخن رانده شده است. این توجیهات از نوروز تا نوروز سال دیگر انجام می‌شد.^۳ در اواخر قرن یازدهم هجری در دفترهای مالی بی‌نظمی راه

1 Afyoncu, Ibid.

۲ وفیق بک، همان، ج ۱، ص ۱۹۲.

Hüseyin Efendi Hezarfen (1998), *Telhisül-beyan fi kavânin-i Al-i Osman*, Hazırlayan Sevim İlgürel, Ankara: Türk Tarih Kurumu, p. 159.

3 Pakalin, ibid, vol 3, p. 61.

4 Sariay, ibid, pp. 290, 389.

5 ibid, p. 163, Göyünç, ibid, p. 14.

1 Sariay, ibid, p. 138.

2 Çetin, ibid, p. 67.

3 Uzunçarşılı (1988), *Osmanlı Tarihi*, Ibid.

یافت و برخی از این دفترها که از نوروز تا نوروز آغاز می‌شد با ماه‌های قمری آغاز شده‌اند.^۱

نتیجه‌گیری

نوروز به‌عنوان یکی از جشن‌ها و نیز به‌خاطر اهمیت تقویمی آن از طریق سلجوقیان روم به دربار عثمانی راه یافت. سلاطین عثمانی علاوه بر اقتباس نوروز، برای افزایش شکوه دربار خود دست به ابداعاتی در برگزاری آن زدند و مراسمی مانند تهیه و تقدیم معجون‌های نوروزیه، تقدیم تقویم نوروزیه، اهدای گل و میوه و پیشکش‌های نوروزیه به سلطان و مقامات برجسته را بدان افزودند. این ابداعات با تکرار سالیانه آرام آرام به یکی از سنت‌های درباری عثمانیان بدل شد که تا اواخر دوره عثمانی تداوم داشت. در بخش اداری-مالی نیز علاوه بر تقلید از پیشینیان، شرایط حاکم بر قلمرو عثمانی سبب شد تا سرآغاز سال مالی را نوروز قرار دهند. زمستان‌های سرد و طولانی و صعوبت انتقال مالیات‌ها به پایتخت را می‌توان از دلایل انتخاب چنین روزی برای سرآغاز سال مالی دانست؛ گرچه میراث‌خواری از پیشینیان می‌تواند دلیل محکم‌تری باشد. به هر رو، نوروز سرآغاز سال مالی بود و دفترهای مالی مهمی نظیر روزنامه‌چه به شکل نوروز تا نوروز تدوین و بر اساس آن، در نوروز، مالیات‌گیری و ثبت مداخل و مخارج انجام می‌شد. در تشکیلات نظامی نیز دو عامل برای گزینش نوروز در انجام تحرکات نظامی به چشم می‌خورد. نخست جایگاه مثبت نوروز در اذهان مردم و خوش‌یمن خواندن آن بود که سبب ترغیب بیشتر نظامیان می‌شد. عامل دیگر سهولت فراهم کردن مایحتاج نظامیان و تسهیل رفت‌وآمد سپاه زمینی و ناوگان دریایی بود که باید مقارن فصول گرم و سرآغاز این فصول یعنی نوروز باشد. با این بیان مشخص می‌شود علاوه بر میراث‌خواری عثمانیان از سلجوقیان روم و ورود نوروز به تشکیلات حکومتی، دلایل دیگری نیز برای تثبیت و پروریدن آن در این ساختار وجود داشت.

1 Göyünç, ibid, p. 19.

منابع و مأخذ

- اسپناچی پاشازاده، محمدعارف (۱۳۷۹)، *انقلاب الاسلام بین الخواص و العوام*، تصحیح رسول جعفریان، قم: دلیل.
- خواجه سعدالدین افندی، محمد (۱۳۸۰ق)، *تاج التواریخ*، استانبول: طبعخانه عامره.
- ربانی، زهرا (۱۳۹۱)، *فرهنگ ایرانی در قلمرو سلجوقیان روم*، تهران: علمی و فرهنگی.
- سلانیک، مصطفی افندی (۱۳۸۱ق)، *تاریخ سلانیک*، استانبول: مطبعة عامرة.
- نعیم، مصطفی (۱۳۸۱ق)، *تاریخ نعیم (روضه الحسین فی خلاصة اخبار الخاقین)*، [بی جا]: [بی نا].
- نوری پاشا، مصطفی (۱۳۲۷ق)، *نتائج الوقوعات*، چاپ محمد غالب، استانبول: اخوت مطبعة سی.
- وفیق بک، عبدالرحمن (۱۳۲۸ق)، *تکالیف قواعدی*، استانبول: مطبعة قدر.
- 12 Numaralı Mühimme Defteri (978-979 / 1570-1572), *Özet-Transkripsiyon ve İndeks*, c I, (Dîvân-ı Hümâyûn Sicilleri Dizisi : IV), (1996) Ankara: Başbakanlık devlet arşivleri genel müdürlüğü, yy nu: 33.
- Afyoncu, Erhan (2008), "Ruznamçe", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam ansiklopedisi (DİA)*, İstanbul: Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi, vol. 35.
- Baharlı, Orazpulat Eke (1995), "Nevruz-Yeni Yıl", *Anayurttan Atayurda Türk Dünyası*, sayı 8, Mart.
- Bayak, Cemal (2007), "Nevruziyye", *DİA*, vol. 33, İstanbul: Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi.
- Bostan, İdris (1992), *Osmanlı bahriye teşkilati*, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- Çay, Abdulhaluk (1993), *Türk Ergenekon Bayramı: Nevrûz*, Ankara: İleri Yayınları.
- Çetin, Emrah (2009), "Türk Dünyasının Ortak Kültür Mirası: Nevruz", *International Journal of Social Science*, Vol 2, Issue 1, Summer.
- Cumbur, Müjgan (1996), *Bir Osmanlı Müeccimbaşısı ve Nevruz, Nevruz ve Renkler*, Ankara: Atatürk Kültür Merkezi Yayını, Sayı 116.
- Fatih, Sultan Mehmed (2003), *Kanunname-i Al-i Osman*, Hazırlayan Abdükkadir özcan, İstanbul: Kitabevi.
- Hezarfen, Hüseyin Efendi (1998), *Telhisül-beyan fi kavanin-i Al-i Osman*, Hazırlayan Sevim İlgürel, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- Kara çebe-zade, Abdülaziz efendi (2005), *Zafername*, Yüksek lisans tezi, by: Nermin Yıldırım, İstanbul: Mimar Sinan güzel sanatlar Üniversitesi.
- Kılıç, Filiz (2000), *Osmanlı Devletinde ve Klâsik Edebiyatımızda Nevruz*, Ankara: Türk Kültür Merkezi Yayınları.
- Koç, Ümit (2002), "XVI. Yüzyılda Osmanlı Devleti'nde Çavuşluk Teşkilatı", *Elaziğ: Fırat Üniversitesi Sosyal Bilimler Dergisi*, Cilt: 12, Sayı: 2.

- Levy, R (1964), “Nevruz”, in *İslam Ansiklopedisi(İA)*, cilt 9, İstanbul: Milli eğitim basımevi.
- Lutfi pascha (1910), *Das Asafname des Lutfi pascha*, ed. Rudolf Tschudi, berlin: Mayer & Müller.
- Mert, Özcan (1999), “Son Dönem Osmanlı belegelerinde Nevruz”, in: *Türk Dünyasında Nevruz*, haz. Nadir Devlet, İstanbul: Marmara Üniversitesi Türkiyat Enstitüsü.
- Mustafayev, Beşir (2013), “Adriyatikten Çin seddine uzanan Nevruz geleneği”, *Avrasya uluslararası araştırmalar dergisi*, C 2, sayı 3, temmuz.
- Öner, Erdoğan (2009), *Osmanlı Devleti 1912 yılı hazine genel hesabı ve kesin hesap kanunu tasarısı*, Ankara: Maliye Bakanlığı.
- Pakalın, Mehmet Zeki (1971), *Osmanlı tarih deyimleri ve terimleri sözlüğü*, İstanbul: Milli eğitim basımevi.
- Sak, İzzet (2006), “Osmanlı Sarayının İki Aylık Meyve ve çiçek Masrafı”, Ankara: *Ankara Üniversitesi Dil ve Tarih Coğrafya Fakültesi Tarih Bölümü Tarih Araştırmaları Dergisi*, Cilt 25, sayı 40.
- Sarıncı, Yusuf (2010), *Osmanlı Başbakanlık arşivi rehberi*, İstanbul: Başbakanlık Basımevi.
- Şengül, Abdullah (2006), “Türk kültüründe nevrüz - Mete Han’dan Atatürk’e”, *Afyon Kocatepe Üniversitesi Sosyal Bilimler Dergisi*, Cilt 8, Sayı 3.
- Tepekaya, Muzaffer (2000), “Nevruz ve Osmanlı’da Yaşatıldığına Dair”, Bornova- İzmir: *Türk dünyası incelemeleri dergisi*, Ege Üniversitesi basımevi.
- Tutar, Hasan (2002), *Tarihte ve mitolojide Nevruz*, in *Türkler*, cilt 3, Ankara: yeni Türkiye yayınları.
- Ünver, Süheyl (1976), “Türkiyede Nevruz ve Nevruziye”, Ankara: *Vakıfler dergisi*, cilt XI.
- Uzunçarşılı, İsmail Hakkı (1988), *Osmanlı Devletinin Merkez ve Bahriye Teşkilatı*, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- ---- (1988), *Osmanlı devletinin saray teşkilatı*, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- ---- (1988), *Osmanlı Tarihi*, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- Yayla, Yasemin (2001), *Kanuni Sultan Süleyman devri osmanlı devletinde bürokratik yapı*, yüksek lisans tezi, Isparta: Süleyman Demirel Üniversitesi, Sosyal bilimler enstitüsü tarih anabilim dalı.